

نقد کتاب حیات سیاسی حسنیان
سید محمد رحیم ربانی زاده

معرفی اجمالی اثر

کتاب پیش رو در چهار بخش است که بخش اول شامل کلیات پژوهش است که به بررسی ادبیات پژوهش حسنیان در پژوهش های معاصر و سپس منابع اصلی این حوزه پرداخته است. بخش دوم معرفی سادات حسنی است که بزرگانی همچون فرزندان امام حسن، زید بن حسن و اعقاب او و حسن مثنی و اعقاب او و جعفر بن حسن مثنی، داود بن حسن مثنی، ابراهیم، حسن بن حسن مثنی (مثلث) و عبدالله بن حسن (محض) را بررسی کرده است. بخش سوم مناسبات حسنیان با خلفای اموی و عباسی را تا سال ۱۴۵ ه.ق مورد بررسی قرار داده است.

بخش چهارم هم شامل تعامل سیاسی سادات حسنی با شخصیت های برجسته و مذاهب و فرق معاصرشان اختصاص دارد.

طرح جلد:

طرح جلد ساده و می توانستند با تم ها و تصاویر درخورتی را در جهت تداعی موضوع با محتوا به کار گیرند چرا که زبان تصویری حامل محتوا و ذهنیت بخشیدن به خواننده است.

کیفیت چاپ:

تایپ واژه ها کمی برجسته است و بهتر بود در اندازه کمتری تایپ شود.

صحافی:

صحافی کتاب مناسب و صفحات از هم کنده نمی شوند.

نمونه خوانی و اغلاط چاپی:

تقریباً اغلاط چاپی در آن به چشم نمی آید و متنی خوانا پیش روی خواننده است.

میزان رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی اثر:

قواعد عمومی نگارش به میزان زیادی رعایت شده است اما از نظر ویرایش تخصصی جا داشت که فصلی تحت عنوان مباحث نظری و تعریف مفاهیم گنجانده شود چرا که بخش هایی از کتاب در ارتباط با ملل و نحل است و بایستی مفاهیم تخصصی تعریف می شد که زبان فنی اثر نیز رعایت می شد و همچنین با توجه به اینکه موضوع مورد بررسی نوعی تاریخ توده ها است می توانست مبانی نظری همچون گفتمان (دیرینه شناسی و تبارشناسی) در این کتاب بررسی می شد و با چنین خوانشی مسئله را تفسیر و تبیین می کرد.

میزان روان و رسا بودن اثر:

شد متنی روان و رسا پیش روی خواننده است و اثر بیشتر به لحاظ محتوایی با نقد مواجه است تا نگارشی.

نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر:

مطالب هر فصل انسجام و نظم منطقی خاص خودش را دارد اما به لحاظ محتوایی مطالب انسجام کافی را ندارند چرا که بیشتر از

آنکه تاریخ سیاسی باشد نسب شناسی و حتی مناسبات حسنیان با قدرت آنگونه که مولف ادعا دارد به خوبی بررسی نشده است که در نقد محتوایی اشاره می شود.

پرسش های مربوط به منابع:
میزان اعتبار منابع از جهت علمی چگونه است:

شاید بتوان گفت تنها نکته قوام و درخور این اثر منابع آن است که نویسنده حجم عظیمی از منابع دست اول و دست دوم را مطالعه کرده اند. و همین استفاده از منابع دست اول اعتباری علمی پژوهشی به کتاب بخشیده است.

آیا در این اثر از منابع موجود و جدید برای تبیین موضوعات به قدر کافی استفاده شده است:

بررسی ارجاعات و منابع مورد استفاده و لیست منابع در آخر کتاب گویای آن است که منابع جدید هم به وفور مورد استفاده قرار گرفته است.

میزان دقت در استنادات و ارجاعات اثر:
در ارجاعات به منابع نویسنده دقت کافی دارند.

کیفیت رعایت امانت در اثر:
از روی ارجاعات می توان تشخیص داد که نویسنده در نقل قول ها به میزان کافی امانت را رعایت کرده اند.

پرسشهای مربوط به تحلیل و بررسی:
آیا اثر توانسته است به تجزیه و تحلیل و
بررسی علمی مسئله یا مسایل مورد نظر
بپردازد؟

کتاب تاریخ حسنیان از چند جنبه دارای
نقاط قوت است: یکی از نظر منابع و منبع
شناسی در حوزه تاریخ حسنیان و ائمه می
باشد، در واقع آنچه اعتبار این کتاب را
بالا برده است همین منابع و ارجاعات آن
است و برای کسانی که بخواهند در این
حوزه دست به قلم بزنند راهنما و افق
مناسبی است، و با نقد و بررسی پژوهش‌های
معاصر هم بر نقاط ضعف و هم کم‌کو کاستی
های آنها دست می‌گذارد. و دیگر جنبه قوت
این اثر انتخاب موضوع است بدین معنی که
به تعبیر گفتمانی موضوعی انتخاب شده است
که در حاشیه متن بوده است و در
حاشیه بودگی دال بر ناچیز بودن و بی
اهمیتی یک پدیده نیست بلکه در خود معانی
نهفته فراوانی دارد که با بازگرداندن
این طرد شده‌ها و حاشیه‌ها معانی تازه
ای انکشاف می‌شود و اهمیت این در حاشیه
بودن در بیرون از ساختار قدرت بودن است
و تاریخ اجتماعی طبقات پایین را از دل
اینچنین پدیده‌هایی می‌توان بیرون کشید، و
در این اثر با بررسی حسنیان که از سوی

مورخین عصر خویش و در عصر حاضر از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار نگرفته است خود نکته برجسته ای است.

هر چند که انتخاب موضوع در نوع خود به لحاظ گفتمانی حائز اهمیت است اما با توجه به اینکه مناسبات سیاسی و حیات سیاسی حسنیان را بررسی کرده است در ارائه تحلیلی تازه از وضعیت آن عصر ناتوان است و صرفاً به سر هم کردن چند اسم و نسبت آنها با امام حسن اکتفا کرده است. بنابراین در وهله اول باید بر خود عنوان نقد کرد که " حیات سیاسی" را مورد بررسی قرار داده است چرا که حیات سیاسی متأثر از وضعیت اجتماعی و اقتصادی هر ساختار و سیستمی است و در صورت نادیده گرفتن بافت و زمینه اجتماعی یک نوع تاریخنویسی سیاسی - نظامی ارائه می شود که انگار همه چیز در جنگ و ستیز و هرج و مرج بوده است انگار همه در حال توطئه علیه همدیگرند در جایی خلیفه سعی دارد حسنیان را به خود نزدیک و در جای دیگر آنها را مورد آزار قرار می دهد، در این نوع تاریخنویسی همه در جدال اند آنگاه هم که در صلح به سر می برند ولی صلح در حال جنگ. این نوع تاریخنویسی تاریخی را روایت می کند که نسبتی با عصر خویش ندارد چون در لابلای کتاب اینگونه به

خواننده تداعی می شود که خلافت اموی و عباسی چیزی جز "ستیز و سازش" نیست، اینگونه تاریخنویسی سیاسی - نظامی در نقطه مقابل تمدن سازی و فکر و اندیشه قرار دارد چون اگر قرار است که یک دولتی همواره در ستیز باشد جایی برای عرصه و تعاملات فکری و فرهنگی نیست، در تاریخنگاری عهد امویان غالب مورخین و پژوهشگران معاصر مخصوصاً در ایران تاریخ اموی را بسیار ناچیز جلوه می دهند و اصلاً می توان گفت که کتاب های حوزه سیره پژوهی آنگاه که به امویان و عباسیان می رسد سعی بر زدودن جلوه های فرهنگی و علمی و فکری آنها بشوند.

این اثر در تبیین این مسئله که نگرانی حکام اموی و عباسیان از حسنیان از چه منظر بوده است ناتوان می باشد، در واقع اگر آنها نگران اند از این جهت است که حسنیان و یا حتی حسینیان در بین توده مردم هستند و ترس آنها از مردم است چون اگر قرار بر رقابت و نزاع با فرد خاصی باشد سرکوب او کاری ندارد، نگرانی حکام از بابت تاثیر آنها بر توده مردم است که آنها را به قیام و اندازند، در نتیجه به تعبیری این مردم هستند که به حسنیان معنا می بخشند در حضور آنها است که کسانی همچون نفس زکیه و عبدالله محض و غیره

معنا پیدا می کنند، لذا اگر توده ها نباشند دیگر حکام از چه چیزی باید بترسند... به همین دلیل می توان گفت اگر امویان و عباسیان بزرگان حسنی و حتی حسینی را مورد اذیت و آزار و تعقیب قرار می دهند به خاطر ترس از مردم است مردمی که احتمالاً علیه آنها به پاخیزند. با آگاهی از نقش توده ها در معنابخشیدن به شخصیت های حسنی، در تاریخ حسنیان و حتی ائمه اثری از خود مردم نیست و هیچ اشاره به فعالیت ها و میزان جایگاه آنها در بین عوام و نحوه تعاملات آنها با مردم و حتی زیست روزمره آنها وجود ندارد و صرفاً به روابط سیاسی پرداخته اند روابط سیاسی ای که بیشتر از آنکه شرح حیات سیاسی حسنیان باشد شرح دولتهای اموی و عباسی است به نوعی تاریخ سیاسی دولتهای اموی و عباسی محسوب می شود.

نسب شناسی به مثابه تاریخنگاری اجتماعی

شاید بتوان گفت اهمیت نسب شناسی و شجره نامه در ارتباط آن با تاریخ اجتماعی است چرا که هنگامی که نوه و نتیجه و غیره را در علم الانساب بررسی می کنیم قاعدتاً با برخورد به هر اسمی وضعیت سیاسی و اجتماعی و مناسبات آن عصر نیز در ذهن تداعی می شود که در عصر فلان شخص وضعیت معیشت و ساختارهای سیاسی و اجتماعی به

چه شکل بوده است و اگر مورخین تاریخ اجتماعی به انساب توجه می کنند از این منظر است و گرنه صرف شناخت آبا و اجداد فقط برای کسانی که در پی کسب مشروعیت هستند و می خواهند با ارجاع به نسل گذشته هویت نوین و یا هویت خویش را تقویت کنند معنا دارد با هم در این صور هم خواه ناخواه وقتی به یک شخص خاصی متمسک می شوند بایستی دلایل اهمیت و چنین تمسکی را از دل وضعیت و بافت و زمینه آن عصر توضیح بدهند، در این کتاب در فصل دوم معرفی سادات حسنی، نویسنده فقط درگیر معرفی نوه ها و نتیجه های حسنیان است که باعث می شود متن برای خواننده کسل کننده و بعضا بی اهمیت جلوه کند. (نگاه شود به صفحات ۵۴ تا ۷۰) که با حجم عظیمی از اسامی مواجه می شویم که نسبتی با موضوع هم ندارند.

در بخش چهارم هم نویسنده روابط سیاسی حسنیان با شخصیت ها و مذاهب اسلامی را بررسی کرده است به نظرم چنین عنوانی خود اشتباه است چراکه روابط حسنیان با جریان هایی همچون (مرجئه، معتزله، فرقه زیدیه، غلات، خوارج و یا کسانی همچون امام حسین، امام سجاد، امام باقر و امام صادق) بیشتر از آنکه سیاسی باشد فکری و فرهنگی تلقی می شود.

«ارتباط واصل با حسنیان به دیدار در مدینه محدود نبود و علاقه آنها برای نزدیکی به یکدیگر منبعت از باورها و اهدافی بود که ایشان را پیش از پیش به یکدیگر نزدیک می ساخت. شریف مرتضی در کتاب خود نقل کرده است که محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله محض از کسانی بودند که واصل ایشان را به سوی قول و سخن همراه با عدل و توحید دعوت کرد و ایشان دعوت او را پذیرفتند...» (نجفیانی رضوی، ۱۸۸).

مسئله ای که اینجا باید بدان اشاره کرد این است که برای نویسنده روابط سیاسی یعنی هر نوع ائتلاف و حرکتی که بر ضد حکام اموی و عباسی باشد «بزرگان مرجئی مذهب در زمان قیام فرزندان عبدالله محض نیز به حمایت از ایشان پرداختند...» (همان، ۱۹۵)

«زمانی که ابراهیم قیام کرد جماعت زیادی از زیدیه و معتزله به او پیوستند. در راس این معتزلیان بشیر رحال بود. او در قیام ابراهیم بن عبدالله حضور داشت و تا آخرین لحظات در کنار ابراهیم ماند و در کنار او به شهادت رسید.» (همان، ۱۹۱).

«در واقع اشاعه باور مهدویت محمد نفس زکیه باعث شد تا پیش از قیام محمد برخی از فرق و گروههای فعال با اهداف مختلف

او را امام بدانند و به حمایت از او
برخیزند...» (همان، ۲۰۱)
«... از مین فرزندان امام حسن که در
واقعه کربلا حاضر بودند سه تن به شهادت
رسیدند یک نفر اسیر و حسن مثنی که به
شدت مجروح شده بود با وساطت دایی اش از
مهلکه جان سالم به در برد...» (همان،
۲۰۲).

همانطور که در روایات نقل شده می بینیم
که روابط سیاسی برای مولف یعنی هر
فعالیتی که در برخورد و یا ستیز با
عباسیان باشد، شاید مولف و خیلی از
مولفین دیگر این حوزه ناخودآگاه در سلطه
و هژمونی تاریخنگاری اموی و عباسی هستند
که هر اتفاق و امری را در ذیل آنها
بررسی می کنند، به نظرم هر چند که سعی
بر آن بوده که درباره تاریخ امویان و
عباسیان خیلی کار نشود اما تاریخ های
تشیع و سیره پژوهی و ائمه بیشتر از آنکه
تاریخنگاری تشیع باشد تاریخنگاری اموی و
عباسی هستند چرا که حجم عظیمی از داده
ها در ارتباط با حکام اموی و عباسی است
و در این کتاب بیشتر از آنکه اطلاعات
درباره حسنیان عاید خواننده شود تاریخ
اموی و عباسی بیشتر عیان می شود و این
بدان معنا است که هنوز نتوانسته ایم
ذهنیت ها را از سلطه و سیطره این دو

دولت برهانیم، انگار که امر سیاسی حتما باید یک گوشه اش گفتمان رسمی باشد، در نتیجه خوانشی که از تاریخ اموی و عباسی می شود با سیاه نمایی از تاریخ آن دوره ها همراه است. در تمام کتاب های سیره و این کتاب تنها با آشوب و هرج و مرج بی عدالتی مواجهیم، مگر می شود در یک جامعه ای همواره ستیز باشد، مگر در آن جامعه همه مخالف بوده اند که اینچنین از تاریخ روایت می شود.

فضا سازی این کتاب برای تاریخ حسنیان و در دایره گسترده تر تاریخ اموی و عباسی چیزی جز خشونت نیست به نوعی جدال خیر و شر است و از آن سو نادیده گرفتن جریان های دیگر در تحولات تاریخی است.

پرسشهای مربوط به نوآوری و نو بودن:

تنها جنبه نوآوری کتاب انتخاب موضوع است که اگر به جنبه های اجتماعی موضوع بیشتر می پرداخت از نظر محتوایی هم می توانست نوآوری داشته باشد که در این قسمت به دسته بندی کردن اطلاعات اکتفا کرده و خود مولف در متن حضور ندارد و این یعنی خالی از تحلیل است.

آیا نمونه هایی از نوآوری در اثر وجود دارد:

هیچ نوآوری در کتاب وجود ندارد که پیشتر اشاره شد.

۱۰) میزان روزآمدی داده ها و اطلاعات اثر: داده ها و اطلاعات اثر همان اطلاعات جمع شده در منابع دست اول هستند.

پرسش مربوط به پیش فرضها:

میزان سازواری محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش فرض های مورد قبول مطرح در متن:

به لحاظ علمی اشاره شد که چون مسئله پژوهش را در ذیل امویان و عباسیان بررسی می کند و فرض هم بر بررسی حیات سیاسی حسیان است چندان سازواری با هم ندارند چون در نهایت برای خواننده حیات سیاسی حسیان چیزی جز چند اسم و شجره نامه نیست و اگر به جنبه های اجتماعی و مناسبات آن نظر می افکند سازواری علمی اثر بسیار برجسته می شد.

پرسش های مربوط به انطباق و جامعیت:

میزان جامعیت محتوا و موضوع اثر را با توجه به اهداف درس مورد نظر چگونه ارزیابی میکنید؟ همچنین آیا تعداد صفحات آن با واحد درسی مورد نظر تناسب دارد؟

مطالب اثر تا چه حد با آخرین سرفصل های مصوب وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری در

درس مورد نظر مطابقت دارد؟ www.shomton.ir

پرسش های مربوط به نحوه ی به کارگیری ابزارهای علمی:

چنانچه در این اثر ار مولفه های جامعیت
صوری (ابزار علمی لازم در بند الف:۱.مانند
پیشگفتار ،مقدمه ،فهرست ،جمع بندی
نهایی،نتیجه گیری و تمرین و
ازمونو...) بهره جسته آیا توانسته است
برای تفهیم از آنها استفاده ی مناسب کند
؟

نویسنده در تفهیم موضوع ناتوان است و
فقط خواننده را به جهت گیری و قضاوت و
صادر کردن احکام کلی فرا می خواند.
پرسش های مربوط به اصطلاحات تخصصی:
کیفیت و میزان کاربرد معادل سازی
اصطلاحات تخصصی اثر:

به بخش تخصصی و زبان فنی در این کتاب
کمتر توجه شده است و اشاره شد که تعریف
مفاهیم بایستی در بخشی از کتاب گنجانده
شود.

پرسش های مربوط به رویکردهای کلی:
دریک نگاه کلی رویکرد اثر نسبت به فرهنگ
و ارزشهای اسلامی چگونه است؟ آیا این اثر
توانسته است نیازهای علمی و کاربردی
مطرح شده در فضای اسلامی پاسخ گوید؟
میزان سازواری محتوای علمی اثر با مبانی
و اصول دینی:

این اثر سازواری بسیار زیادی با اصول
دینی در فقه تشیع دارد.